

واکاوی بحران امنیتی (مفهوم، ابعاد و سطوح) با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ

هادی رحمانی ساعد^۱

حجت‌الله قدیری^۲

علیرضا تنهایی^۳

DOR: 20.1001.1.26765756.1398.8.29.1.4

چکیده

بحران امنیتی موضوعی است که در اغلب موارد مفروض در نظر گرفته می‌شود؛ این در حالی است که مفهوم و ابعاد آن تا حدود زیادی ناشناخته باقی مانده است. با توجه به اینکه در واکاوی مفهوم بحران امنیتی، دیدگاهی امنیتی در موضوع بحران مدنظر است، نیاز است چهارچوب نظری پرداختن به آن در قالب مطالعات امنیتی بررسی گردد. از این رو «مکتب کپنهاگ» برای این امر انتخاب گردیده است. مکتب کپنهاگ تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی است و از این منظر رهیافتی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است. هدف از این پژوهش، واکاوی مفهوم بحران امنیتی با تأکید بر مکتب کپنهاگ است. نوع پژوهش کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را دوازده نفر از صاحب‌نظران و خبرگان مباحث امنیتی تشکیل داده‌اند. همه اعضا به‌صورت تمام شمار به‌عنوان حجم نمونه پژوهش در نظر گرفته شده‌اند. محققین در پاسخ به این سؤال که مفهوم، ابعاد و سطوح بحران امنیتی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ چیست؟ بعد از جمع‌آوری ادبیات تحقیق و انجام مصاحبه؛ و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده به این نتیجه رسیدند که هر یک از بحران‌های امنیتی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی) را می‌توان بر اساس سه شاخص تهدید، زمان و غافلگیری، در ۸ طبقه اداری، عادی، عمدی، انعکاسی، ویژه، بطنی، نوظهور و کاملاً بحرانی طبقه‌بندی نمود.

کلیدواژه‌ها: بحران، بحران امنیتی، مکتب کپنهاگ

hr.saed@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گرایش امنیت ملی دانشکده علوم و فنون فارابی

۳. دکتری مدیریت برنامه ریزی آموزشی دانشگاه خوارزمی

جستار گشایی

اغلب افراد از واژه بحران، تصویری از شرایط دشوار، آشفتگی، به هم ریختگی و ... در ذهن دارند، این موضوع باعث شده است که مردم یا مسئولان برای بیان شرایط سخت و دشوار در زمینه موضوعات مختلف، از جمع واژه بحران با سایر مفاهیم استفاده نمایند. واژه‌هایی چون بحران بیکاری، بحران مالی، بحران آب و مانند آن ناظر بر چنین حالت‌هایی است. از طرفی، یکی از دغدغه‌های جوامع، سازمان‌ها، افراد و ... پرهیز از قرار گرفتن در شرایط بحرانی است.

برای اینکه بین ذهنیت‌ها و واقعیت‌ها پلی زده بشود، نیازمند تعریف شرایط بحرانی در زمینه‌های مختلف هستیم چرا که حتی صرف استفاده واژه بحران در برخی از مواضع و مواقع می‌تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد. اگر در یک جامعه قطع چند ساعته برق در یک منطقه از یک شهر را بحران تلقی کنیم، اثر چنین تفکری می‌تواند باعث ایجاد ناامنی در ذهن مخاطبان شود.

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که بحران چیست؟ بحران در تعامل با سایر مفاهیم چگونه معنا می‌شود؟ آیا وقوع یک حادثه ناگوار در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای را می‌توان بحران تلقی کرد؟ چه شاخص‌هایی برای تبدیل یک وضعیت به بحران باید مورد توجه قرار گیرد؟ پاسخ به سؤالات مذکور می‌تواند برای تبیین انواع بحران‌ها راهگشا باشد.

یکی از مفاهیمی که وجود نداشتنش می‌تواند باعث بروز احساس بحرانی بودن اوضاع شود، مفهوم امنیت است. امنیت، جایگاه بالایی در هرم نیازهای بشری داشته و از طرفی ماهیتی بین ذهنی دارد، از این رو فقدان و یا لطمه خوردن آن می‌تواند به سرعت از طریق افراد، سازمان‌ها و جوامع احساس شود؛ اما آیا به هم خوردن هر سطحی از امنیت را می‌توان بحران امنیتی دانست؟ اصولاً به دلیل ماهیت مفهوم و موضوعات امنیتی، بحران امنیتی نیز با نوعی ابهام در تعریف و مصداق روبرو است. در این تحقیق تلاش شده است با استفاده از آموزه‌های مکتب کهنه‌کار، نگاهی هستی‌شناسانه به مفهوم امنیت داشته باشیم. اینکه مفهوم بحران امنیتی چیست و چه ابعاد و سطوحی برای آن متصور است.

به لحاظ مفهومی بحران خود یک مفهوم بحران‌زا و بحران‌زی است. اگر چه تاریخ بشری روایتی مستمر و بلاانقطاع از بازی بحران‌هاست، لکن تاکنون گفتمان و ادبیات واحد و شفافی پیرامون آن شکل نگرفته است. به بیان چارلز مک کلایند^۱، در پنجاه سال گذشته از منظرهای گوناگون تحقیقاتی، مطالعات بسیاری درباره بحران انجام گرفته، لکن چنین تلاش‌هایی نه تنها موجب پیشنهاد تعریفی شفاف از این مفهوم نشده، بلکه دلالت‌های آن را بس پیچیده‌تر نموده‌اند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۴۷)

در نگاه اول به مفهوم «بحران امنیتی»، به نظر می‌رسد که معنای آن برای همگان قابل فهم است، اما وقتی افراد وارد مصادیق عینی می‌شوند با انبوهی از ابهامات روبرو خواهند شد. این حالت به دلیل وجود

1. Charles McClelland

دیدگاه‌های متفاوت به واژه‌های بحران و امنیت به وجود می‌آید. به عبارتی دیگر با توجه به اینکه برای مفهوم بحران تعاریف مختلفی ارائه می‌شود و از طرفی برای مفهوم امنیت جنبه‌های سلبی و ایجابی و ابعاد سیاسی، اقتصادی، سیاسی و ... متصور است؛ تعریف بحران امنیتی نیز به همان مقدار با ابهامات جدی روبرو است.

با بررسی پیشینه‌های موجود در رابطه با تحقیقات انجام شده در مورد بحران امنیتی، مشاهده می‌شود که اغلب آن‌ها مفهوم بحران امنیتی را به‌عنوان یک مفروض تلقی کرده‌اند و بیشتر به بیان رابطه سایر موضوعات با بحران امنیتی پرداخته‌اند. حال آنکه خود مفهوم بحران امنیتی اساساً با ابهامات جدی روبرو است. از این رو مسئله این تحقیق واکاوی مفهوم بحران امنیتی است.

به نظر می‌رسد مفهوم‌شناسی بحران امنیتی مبتنی بر مکاتب امنیتی، می‌تواند در این رابطه راهگشا باشد. برای این منظور ابتدا به موضوع بحران پرداخته شده و سپس به مکتب کپنهاگ به‌عنوان چهارچوبی برای تبیین مفهوم امنیت اشاره گردیده است. در نهایت با ترکیب مفاهیم و ویژگی‌های مطرح شده برای هر یک از کلیدواژه‌های بحران و امنیت، مفهوم بحران امنیتی واکاوی شده است. توجه به مفهوم بحران امنیتی به این شکل اولاً روشی علمی را در اختیار می‌گذارد و در ثانی بررسی این مفهوم را در بستری از گفتمان مکتب کپنهاگ با عنوان مکتب امنیتی جاری می‌نماید.

طی سال‌های اخیر تحقیقاتی زیادی در مورد بحران انجام شده است. بخشی از این تحقیقات (که عمدتاً توسط ارگان‌هایی مانند هلال‌احمر منتشر شده است) به بررسی مفهوم و مدیریت بحران در اثر بلایای طبیعی پرداخته‌اند. برخی دیگر در مورد مدیریت بحران و تعدادی رابطه بین رسانه و بحران را مورد بررسی قرار داده‌اند اما در بین تحقیقات و ادبیات موجود در مورد موضوع مقاله (بحران امنیتی) تعداد معدودی تحقیق یافت می‌شود که از این بین می‌توان به کتاب «مدیریت بحران‌های امنیتی» اثر مصطفی ساوه‌دودی و مقاله «مدل سه‌وجهی مدیریت اطلاعاتی بحران‌های امنیتی» اشاره کرد. در کتاب مدیریت بحران‌های امنیتی، بیشتر به تشریح نحوه مدیریت بحران‌های امنیتی پرداخته شده و تعریف بحران امنیتی به‌نوعی مفروض گرفته شده است. در مقاله مدل سه‌وجهی مدیریت اطلاعاتی بحران‌های امنیتی نیز به‌صورت شفاف به مفهوم بحران امنیتی پرداخته نشده و به بیان تعاریف و ویژگی‌های بحران پرداخته شده است. در نهایت می‌توان گفت هستی‌شناسی بحران امنیتی به‌عنوان یک موضوع مستقل، در تحقیقات انجام شده، دیده نمی‌شود و عمده تمرکز محققین بر تعاریفی است که اندیشمندان در مورد بحران (در معنای وسیع آن) تاکنون بیان داشته‌اند.

بحران به دلیل شرایط فوق‌العاده‌ای که برای افراد، سازمان‌ها، دولتمردان و ... ایجاد می‌نماید، همواره موضوعی بااهمیت بوده است. وقتی این موضوع (بحران) با مسائل امنیتی گره بخورد، اهمیت آن دوچندان می‌شود، چرا

که امنیت یکی از نیازهای اساسی جوامع است و بدون آن انجام بسیاری از امور با مشکل روبرو خواهد شد. از این رو اینکه اساساً مفهوم بحران امنیتی چیست و چه جنبه‌هایی می‌تواند داشته باشد، اولاً امکان پیش‌بینی و پیشگیری از بحران‌های امنیتی را فراهم می‌آورد و ثانیاً در صورت تحقق بحران امنیتی، به مدیران بحران امکان مقابله با آن را می‌دهد. از طرفی اگر بحران امنیتی و زوایای مختلف آن به‌خوبی شناسایی نشود، ممکن است تلاش‌ها برای پیشگیری و مقابله با آن به انحراف رفته و مسیر فعالیت‌های انجام شده در راستای مقابله با بحران را حتی به سمت حادثه کردن شرایط بحرانی سوق دهد.

هدف از انجام این تحقیق بررسی بحران امنیتی (مفهوم، ابعاد و سطوح) با استفاده از آموزه‌های مکتب کپنهاگ است. پرسش مطرح شده این است که منظور از بحران امنیتی (مفهوم، ابعاد و سطوح) با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ چیست؟ و روش اجرای تحقیق، توصیفی - تحلیلی است.

برای بررسی و تحلیل مطالب در قالب موضوع امنیت و ابعاد مختلف آن، رهیافت‌ها و مکاتب مختلفی از جمله مطالعات امنیتی رئالیستی، لیبرالیستی، سازه‌نگاران، فراساختارگرایان، انتقادی و ... وجود دارد که محققان می‌توانند مسائل را در چارچوب آن‌ها مورد بررسی قرار دهند. در این تحقیق بحران امنیتی در چارچوب مکتب کپنهاگ بررسی خواهد شد.

«مکتب کپنهاگ»^۱ تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی است و همچنین جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است. مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی^۲ برای آثار و نقطه نظرات باری بوزان^۳، آل ویور^۴، دو ویلد^۵ و برخی دیگر به کار برده است. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۳۴)

مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ (COPRI)^۶ که مکتب کپنهاگ یکی از شاخه‌های فکری آن به شمار می‌آید، توسط پارلمان دانمارک و در سال ۱۹۸۵ تأسیس گردید. مأموریت اولیه این مؤسسه، تحقیق و پژوهش در زمینه ریشه‌های جنگ و شیوه‌های برقراری صلح در جامعه بشری با تمرکز بر مسائل اروپا بود؛ اما با بسط حوزه پژوهشی این مؤسسه، رفته‌رفته موضوعات کاری و گستره پژوهش‌های آن نیز گسترش یافت. مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ ابتدا یک مؤسسه غیردولتی (NGO) بود که بودجه پژوهشی خود را با استفاده از اعانه بنیادهای خیریه و فروش محصولات پژوهشی تأمین می‌کرد، اما از سال ۱۹۹۶، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانمارک نسبت به تأمین بودجه آن اقدام و در مقابل، برخی پروژه‌های تحقیقاتی را به پژوهشگران آن مؤسسه واگذار نمود. در یازدهم ژوئن سال ۲۰۰۱، پادشاه دانمارک - به‌واسطه نتایج درخشان مطالعاتی این مؤسسه - فرمان الحاق این مؤسسه به وزارت امور خارجه را صادر نمود. همان‌گونه

1. Copenhagen School

2. Bill Mc Sweeney

3. Barry Buzan

4. Ole waever

5. De Wild

6. Copenhagen Peace Research Institute

که گفته شد، مؤسسه تحقیقات صلح دانمارک فعالیت خود را در زمینه مسائلی چون امنیت بین‌المللی، بحران‌های منطقه‌ای، مسئله هویت، مهاجرت، پناهندگی، امنیت جامعه‌ای و مطالعات موردی (بالکان، چین، فلسطین و ...) شروع کرد و برای مدت دو دهه، کارهای مهمی در باب خاستگاه غیرنظامی امنیت ملی و بین‌المللی منتشر ساخت. برخی محققان، اندیشه‌های ارائه شده از سوی اعضای مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ را دسته‌بندی و عنوان «مکتب کپنهاگ» به آن داده‌اند. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۳۱)

نظریه‌پردازان این مکتب کتاب‌ها و مقالات بسیاری را برای تشریح دیدگاه‌ها و نقطه نظرات خویش تدوین نموده‌اند که کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»^۱، «امنیت چارچوبی جدید برای تحلیل»^۲، «امنیت ساختن و ناامنی»^۳ از جمله مهم‌ترین این موارد است. در همین خصوص کن بوث^۴، کتاب مردم، دولت‌ها و هراس اثر بوزان را به‌عنوان جامع‌ترین تحلیل نظری در مورد مفهوم امنیت در ادبیات روابط بین‌المللی می‌داند.

بر اساس دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیت به بقا^۵ بازمی‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی (وجودی) برای یک موجود جلوه کند. مفهوم تهدید وجودی^۶، ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال و یا آسیب جدی روبرو می‌سازد. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) سرشت خاص تهدیدات امنیتی، توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آن‌ها موجه می‌سازد. استناد به امنیت، کلید مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور است. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۴۶)

مکتب کپنهاگ مخالف دیدگاهی است که هسته مطالعات امنیتی را جنگ و زور می‌داند یا پدیده‌ها و موضوعاتی را مطالعه می‌کند که دارای ویژگی‌های نزدیک و معناداری با جنگ و زور باشد. بوزان و همکاران به دنبال آن هستند تا دیدگاه رادیکال‌تری از مطالعات امنیتی را با بررسی تهدیدات تحمیل شده به اهداف مرجع و امنیتی کردن آن تهدیدات مطرح نمایند. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۱) این مکتب، امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده، اما در برخی جنبه‌ها بیشتر متمرکز شده و بعضاً مبتکر و طراح آن نیز بوده است. طرح موسع در برابر مضیق^۷ یکی از این موارد است که به‌منظور توسعه ابعاد امنیت مطرح شده است. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۳)

مفاهیم و مبانی نظری

ابعاد مختلف امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ

مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بود و تمرکز بر بعد نظامی امنیت

1. People, States and Fear
2. Security: Anew Framework for Analysis
3. Securitization and De Securitization
4. Ken Booth
5. Survival
6. Existential Threat
7. Wide Versus Narrow

تأثیر عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشته بود؛ به‌طوری که مطالعات امنیتی عمدتاً به مطالعه جنگ، آن‌هم در حوزه مطالعات استراتژیک تبدیل شده بود. این وضع تا اواخر دهه ۱۹۷۰ رویکرد مسلط در مطالعات استراتژیک و امنیتی بود؛ اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این رویکرد مورد چالش قرار گرفت. این نقدها ابتدا توسط ریچارد «اولمان» و سپس «هافلدورن» و در ادامه توسط «دیوید بالدوین» صورت گرفت و «بوزان» به‌عنوان یک نواقص‌گرا به شکل بسیار مبسوط‌تر و مستدل‌تر، امنیت مضیق را زیر سؤال برد. مکتب کهنه‌پاگ برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می‌دارد و به تبیین مراجع و موضوعات هر یک از ابعاد مدنظر می‌پردازد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

۱- امنیت نظامی^۱

امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر مربوط است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) دلیل این امر گستردگی دامنه تأثیرگذاری تهدیدات نظامی است. تهدید نظامی همه اجزای دولت اعم از دستاوردهای فکری - فرهنگی و پیشرفت‌های فنی و اقتصادی را مورد هدف قرار می‌دهد. این تهدید ملموس‌ترین نوع تهدید است، چرا که اهداف گسترده‌ای را از تفسیر ساختار حکومت گرفته تا تاراج اموال مردم دربرمی‌گیرد. (نصری، ۱۳۸۱: ۴۳) تهدیدات نظامی ممکن است موجب اختلال یا نابودی نهادها شده و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو نمایند. تدابیر نظامی نه تنها به‌طور بنیادی بر کارکردهای حفاظتی دولت اثر دارد، بلکه منافع گوناگون اجتماعی و فرد را نیز که پایدارتر از رونب‌های دولت هستند، مورد تهدید قرار می‌دهد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۱)

در بخش نظامی، دولت هنوز مهم‌ترین - ولی نه تنها - موضوع امنیت است و نخبگان حاکم دولت‌ها مهم‌ترین - ولی نه تنها - بازیگران امنیتی‌کننده مسائل هستند. چنین وضعی نه تنها از آن رو وجود دارد که دولت‌ها به‌طور کلی در مقایسه با سایر بازیگران، منابع نظامی به‌مراتب فزون‌تری را زیر فرمان خود دارند، بلکه دلیل دیگرش این است که نخبگان حاکم، به لحاظ حقوقی و سیاسی به‌عنوان مدعیان اصلی حق مشروع کاربرد زور چه در داخل و چه در خارج از قلمرو فرمانروایی خود سر برآورده‌اند. در عمل، دستور کار امنیت نظامی عمدتاً حول توانایی حکومت‌ها برای حفاظت از خودشان در برابر تهدیدهای نظامی داخلی و خارجی دور می‌زند. (بوزان؛ ویور؛ دوویدل، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۶)

۲- امنیت سیاسی^۲

امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی نظم (های) اجتماعی است. گوهر بخش سیاسی را تهدیدهای مطرح برای حاکمیت دولت تشکیل می‌دهد. مشکل بخش سیاسی این است که به طرز ظاهراً تناقض‌آمیزی هم

1. Military Security

2. Political Security

وسیع‌ترین بخش است و هم به همین دلیل هر آنچه جایی در دیگر بخش‌ها نداشته باشد، در این بخش جای می‌گیرد. از جهتی، امنیت کلاً امری سیاسی است. همه تهدیدها و هرگونه دفاع در برابر آن‌ها به شیوه سیاسی ساخته و پرداخته و تعریف می‌شوند، سیاسی کردن مسائل طبق تعریف کاری سیاسی است و اگر همین منطق را تعمیم دهیم، امنیتی کردن مسائل هم کنش سیاسی است. بر این اساس، امنیت اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و نظامی از جهتی در واقع به معنی «امنیت سیاسی - اجتماعی»، «امنیت سیاسی - اقتصادی» و ... است. وقتی تهدیدی سیاسی برای ثبات سازمانی یک دولت به صورت تهدیدی برای جامعه (هویت) آن مطرح شود، به عنوان تهدید اجتماعی طبقه‌بندی می‌گردد. معمولاً ویژگی‌های امنیت سیاسی همان ویژگی‌های کلی امنیت خواهد بود که در آن خود تهدیدها عمدتاً سیمایی سیاسی دارد و همین مایه انسجام این بخش می‌شود. به باور بوزان تهدیدهای سیاسی، ثبات سازمانی دولت را هدف گرفته‌اند. منظور از این تهدیدها می‌تواند گوناگون باشد و از تحت فشار گذاشتن حکومت در زمینه سیاسی خاص تا براندازی حکومت، دامن زدن به جدایی‌طلبی و از هم گسیخته کردن کالبد سیاسی دولت به قصد تضعیف آن پیش از حمله نظامی را در برگیرد. تهدیدهای سیاسی نوعاً به اعطای دروغ داشتن شناسایی، پشتیبانی یا مشروعیت بازمی‌گردند. بوزان سیاست را «شکل دادن به رفتار بشر به قصد حکم راندن بر گروه‌های بزرگی از افراد» می‌داند. (بوزان؛ ویور، دوویل، ۱۳۸۶: ۲۱۶-۲۱۷) امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۴)

اندیشه قوام‌بخش دولت، مبنای فیزیکی آن و نهادهایش است. اگر مسائلی را که در دیگر بخش‌ها مطرح می‌شوند کنار بگذاریم (بیشتر تهدیدهایی که مستقیماً بنیان فیزیکی دولت را هدف می‌گیرند، لزوماً نظامی، اقتصادی یا زیست‌محیطی هستند) تنها اندیشه‌ها (منهای اندیشه‌های هویتی مستقل از نهادها) و نهادها باقی می‌ماند. در واقع مسئله تنها به اندیشه‌هایی بازمی‌گردد که شالوده نهادهای سیاسی را تشکیل می‌دهند. اندیشه‌های قوام‌بخش یک دولت نوعاً ملت‌گرایی (به‌ویژه ملت‌گرایی مدنی ولی گاه نیز ملت‌گرایی قومی) و ایدئولوژی سیاسی است. با تهدید این اندیشه‌ها می‌توان ثبات نظم سیاسی را در معرض تهدید قرار داد. این گونه تهدیدها ممکن است متوجه ساختار موجود حکومت (با زیر سؤال بردن ایدئولوژی مشروعیت‌بخش آن، احساس تبعیض و عدم برقراری عدالت در مناصب، مشارکت و ...) یا موجودیت خود دولت (با تردید کردن در حق دولت برای خودمختاری) باشد. تهدیدهای سیاسی یا به صورت از بین بردن مشروعیت مطرح می‌شوند یا به صورت عدم شناسایی (عدم شناسایی کلی دولت یا عدم شناسایی حاکمیت دولت). در مورد دولت‌ها بیشتر این تهدیدها یک کانون اصلی دارد: حاکمیت. هر آنچه را که بتوان به صورت نقض حاکمیت (مداخله) جلوه داد، می‌توان به عنوان مسئله‌ای امنیتی مطرح

کرد. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۲۲۹-۲۲۸) از این رو احتمال حرکت به سمت درگیری‌های درون جامعه‌ای برای حکومت‌های تشکیل شده از چند قوم بیشتر است. (Saleh, 2010:235)

۳- امنیت اقتصادی^۱

پیروان مکتب سوداگری^۲ و سوداگری نو^۳ با اولویت قائل شدن برای سیاست، دولت را هم تجلی اهداف اجتماعی و سیاسی‌ای که ثروت باید در خدمت آن‌ها باشد و هم برقرار کننده امنیتی می‌دانند که بر فعالیت شرکت‌ها و بازارها ضروری است. از این منظر امنیت اقتصادی صرفاً بخشی از اولویت گسترده‌تری است که برای دولت یا امنیت ملی قائلیم و موفقیت اقتصادی هم معمولاً نوعی بازی با حاصل جمع صفر انگاشته می‌شود. لیبرال‌ها با اولویت قائل شدن برای اقتصاد مدعی‌اند که باید اقتصاد را ریشه کالبد اجتماع دانست و بازار را به حال خود گذاشت که بدون دخالت دولت تا حد ممکن آزادانه کار خود را بکند. سوسیالیست‌ها به شکل نامناسبی در میان این دو نگرش موضع‌گیری می‌کنند و هم اقتصاد را ریشه تمام کالبد اجتماع می‌دانند و هم می‌گویند دولت‌ها تا جایی که می‌توانند خود را از این منطق خلاص کنند، باید اقتصاد را به سمت دو هدف اجتماعی و سیاسی عدالت و برابری ببرند. به نظر سوسیالیست‌ها باید امنیت کسانی که گرفتار ضعف اقتصادی هستند به زیان قدرتمندان اقتصادی تضمین گردد. سه دیدگاه بالا نمایانگر مواضع ایدئولوژیک ناهمسازی هستند که برای امنیت اقتصادی منطق‌ها و اولویت‌های متفاوتی قائل‌اند. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۵۳-۱۵۲) اما از دیدگاه مکتب کپنهاگ امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبول از رفاه و قدرت دولت. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

۴- امنیت اجتماعی^۴

یکی از دشواری‌های بحث درباره معنای امنیت اجتماعی مرزهای نامعلوم آن با مفاهیم مشابهی چون: امنیت جمعی^۵، تأمین اجتماعی^۶، امنیت عمومی^۷، امنیت ملی^۸ و امنیت انسانی^۹ است. (نصری، ۱۳۹۰: ۵۵)

امنیت اجتماعی به معنای «اطمینان خاطر افراد و گروه‌های اجتماعی نسبت به تضمین سلامت و هویت خود در قبال مجموعه تحرکات عمدی و تحولات عادی» است. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶) ناامنی اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که جوامع دارای هر نوع هویتی، با تهدیدی برای بقای خود به‌عنوان یک جامعه روبرو باشند. (Waever, 2008:582)

1. Economic Security

2. Mercantilism

3. Neomercantilism

۴. برای عبارت Societal security ترجمه‌های مختلفی به زبان فارسی ارائه شده است، ازجمله امنیت جامعه‌ای، امنیت جامعه‌گی، امنیت جامعه‌وی و ... در این تحقیق عبارت فوق به امنیت اجتماعی ترجمه شده است.

5. Collective Security

6. Social Security

7. Public Security

8. National Security

9. Human Security

امنیت اجتماعی با مفاهیم مشابه خود نسبت‌های مختلفی دارد. امنیت اجتماعی دورترین نسبت را با تأمین اجتماعی دارد. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶) امنیت اجتماعی همان تأمین اجتماعی^۱ نیست. تأمین اجتماعی ناظر بر افراد است و عمدتاً سرشتی اقتصادی دارد ولی امنیت اجتماعی ناظر بر جمع‌ها و هویت آن‌ها است؛ اما مفهوم امنیت اجتماعی نه به این سطح فردی و پدیده‌های عمدتاً اقتصادی، بلکه به سطح هویت‌های جمعی و اقدامات اتخاذ شده برای دفاع از این گونه «هویت‌ها» ناظر است. (بوزان؛ ویور؛ دوویل، ۱۳۸۶: ۱۸۵) متولی تأمین اجتماعی، دولت است، در حالی که تمام کوشش مبحث امنیت اجتماعی این است که سیطره دولت بر حیات گروهی شهروندان را به حداقل برساند و به جای اینکه دولت، گروه‌ها را مهندسی و طراحی کند، گروه‌ها جهت‌بخش و الهام‌بخش دولت باشند. وجه مشترک این دو مفهوم تدارک اطمینان خاطر برای آسیب‌دیدگانی است که به واسطه زندگی اجتماعی، سلامت و نیروی خود را از دست داده‌اند. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶)

امنیت اجتماعی مؤثرترین و حیاتی‌ترین پیوند را با امنیت ملی یافته است. این پیوند در پاره‌ای وجوه قهری و در بعضی موارد اختیاری بوده است. در تعاریف موسع از امنیت ملی، به‌ویژه در استانداردهای امنیت ملی پایدار، امنیت ملی مدیون انسجام جامعه‌ای و انسجام جامعه‌ای محصول مملکت‌داری یا حکومت خوب^۲ است. (نصری، ۱۳۹۰: ۷۶)

امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای حفظ ماهیت اصلی خود در شرایط متغیر و در مواجهه با تهدیدات احتمالی یا واقعی مربوط می‌شود. به‌طور اخص، امنیت اجتماعی به تداوم – البته در محدوده شرایط قابل قبول برای تحول – الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی ارتباط دارد. این تعریف ارائه هرگونه تعریف عینی برای این که چه زمان برای امنیت اجتماعی تهدیدی به وجود می‌آید را دشوار می‌سازد. امنیت اجتماعی ناظر به اوضاع و شرایطی است که جوامع به لحاظ هویتی تهدیدی را درک و مشاهده می‌نمایند. (اشنایدر، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

در امنیت اجتماعی دولت به عنوان یک دولت و یا یک نهاد ارضی نیست، بلکه به عنوان یک هویت جمعی محسوب می‌شود. از این دیدگاه، امنیت جامعه ممکن است در قبال هر چیزی که هویت ما را به خطر می‌اندازد، به خطر بیافتد. (Panic, 2009:31) بر اساس این دیدگاه تهدید نسبت به حکومت‌ها صرفاً خارجی نیست. عوامل اجتماعی و ساختار آن نقش مهمی در زمینه امنیت ملی دارد. از این رو اگر دولت نتواند به آشتی دادن رابطه بین خود و جامعه پردازد، به احتمال زیاد کشمکش رخ خواهد داد. (Saleh, 2010:236)

امنیت اجتماعی^۳ با امنیت سیاسی که ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام حکمرانی و ایدئولوژی‌های

1. social Security
2. Good Governance
3. Societal Security

مشروعیت بخش به حکومت‌ها و دولت‌هاست، ارتباط تنگاتنگی دارد ولی متمایز از آن است. مرزهای دولت و مرزهای اجتماعی تنها به‌ندرت بر هم منطبق است. این نخستین انگیزه را برای جدی گرفتن امنیت اجتماعی به دست می‌دهد. انگیزه دیگر این است که حتی در مورد «مردم واحد» هم دولت و جامعه دو چیز متفاوت هستند و هنگامی که موضوع امنیت قرار گیرند، دو منطق متفاوت دارند. جامعه از هویت، یعنی برداشتی که همبدها و افراد از خودشان دارند و آن‌ها را به‌عنوان اعضای یک جمع همبسته مشخص می‌سازد، قوام می‌گیرد. این هویت‌ها از سازمان‌های آشکارا سیاسی مرتبط با حکومت متمایز ولی با آن‌ها به هم پیچیده‌اند. زمانی ناامنی اجتماعی وجود دارد که همبدهایی از نوع، تحول یا احتمالی را به‌عنوان تهدیدی برای بقای خودشان به‌عنوان یک همبود تعریف کنند. طبق تعریف، امنیت اجتماعی ناظر بر گروه‌های هویتی بزرگ و بی‌نیاز از خود است، اینکه گروه‌ها در عمل چه هستند بسته به زمان و مکان تفاوت می‌کند. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۸۴-۱۸۳)

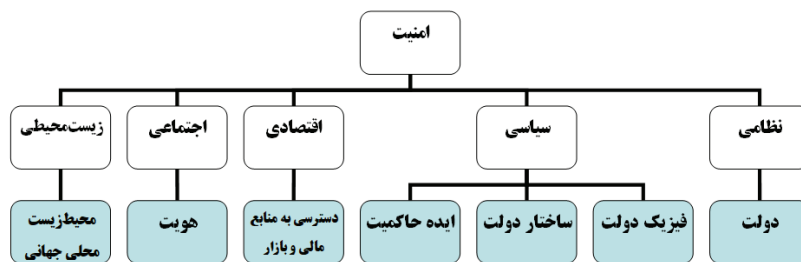
۵- امنیت زیست‌محیطی^۱

وقوع حوادثی مانند طوفان، طاعون، سیل، زلزله، آسیب‌دیدگی لایه ازن، گرم شدن جو زمین و ... از جمله عواملی هستند که صبغه امنیتی پیدا کرده‌اند. مکتب کپنهاگ تهدیدات زیست‌محیطی (به‌استثنای موارد خیلی حاد مانند مسئله لایه ازن که زندگی انسان را مختل می‌سازد)، در شمار مسائل عادی و متداول بوده و به‌تنهایی فاقد بار امنیتی هستند. (نصری، ۱۳۸۱: ۴۴) در بیشتر مباحثات صورت گرفته در باب امنیت زیست‌محیطی می‌توان موضوع دیگری را تشخیص داد: نگرانی از بابت حفظ سطوح موجود تمدن. مطابق این دیدگاه موضوع نهایی امنیت زیست‌محیطی خطر از دست رفتن سطح موجود تمدن- بازگشت به انواع بربریت اجتماعی - در عین حال قادر بودن به جلوگیری از چنین چیزی است. منظور از سطوح تمدن، هر سطحی از تمدن است که بشر بدان دست یافته است اعم از تمدن نخبگان شمال، طبقه متوسط یا سرخپوستان آمازون. در همه موارد مسئله این است که آیا اکوسیستم‌هایی که برای حفظ (یا توسعه بیشتر) سطوح موجود نمودن اهمیت قاطع دارند، به لحاظ محیط زیست پایدارند یا نه. (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۲۴) در واقع یکی از ویژگی‌های توسعه پایدار، در اولویت قرار دادن حفظ محیط زیست و منابع اکولوژیک جهت بهره‌برداری مناسب از آن‌ها توسط نسل‌های آتی است. (مرادیان، ۱۳۹۴: ۳۲)

در یک کلام، امنیت زیست‌محیطی «به حفظ زیست‌سپهر محلی و کل کره زمین به‌عنوان اصلی‌ترین نظام پشتیبان کلیه دیگر فعالیت‌های بشری بازمی‌گردد». (بوزان؛ ویور؛ دووید، ۱۳۸۶: ۱۲۴) امنیت زیست‌محیطی ناظر است بر حفظ محیط محلی جهانی به‌عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

مرجع امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ

اگر بخواهیم در مقام پاسخ به سؤال «امنیت برای چه کسی» برآیم «مرجع امنیت» مطرح خواهد شد. (مرادیان، ۱۳۹۱: ۲۶) همان‌طور که ملاحظه شد مکتب کپنهاگ دیدگاهی موسع به امنیت دارد، از همین رو بر خلاف دیدگاه مضیق به امنیت که به امنیت نظامی تأکید دارد، بر سایر ابعاد امنیت یعنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز توجه می‌نماید. حال اگر سؤال فوق را برای هر یک از ابعاد امنیت پرسیده شود، شاهد بروز پنج مرجع مختلف برای پنج بعد مورد نظر مکتب کپنهاگ خواهیم بود. این مراجع از دل تعاریف و ادبیات مطرح شده در مورد هر یک از ابعاد امنیت به دست می‌آید که به شکل زیر قابل طرح است:



منبع: محقق

بحران

بحران اصطلاحی عامیانه است که در پی یافتن معنایی علمی است. برخی دانش‌پژوهان این اصطلاح را به همان معنای فشار، اضطراب، فاجعه، بلا، خشونت یا خشونت احتمالی به کار می‌برند. برخی دیگر با عنایت به حوزه پزشکی، این عبارت را به‌عنوان یک نقطه عطف میان یک تحول مساعد و نامساعد در حال ارگانسیم می‌دانند. در تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری، بحران نوعی وضعیت یا گونه‌ای رخداد است. در گفتمان سیاسی اواخر قرن هجدهم، بحران معانی شناخته شده‌ای از قبیل «وقت برای تصمیم» و «تحول سیاسی» به خود گرفت. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۱)

بحران از لحاظ لغوی به معنای آشفتگی (عمید، ۱۳۸۸: ۲۷۲) و در نظم و نثر فارسی قدیم، بحران بیشتر به معنی حالت شدید مریضی به کار می‌رفته است. (صلواتیان، ۱۳۸۹: ۲۶)

مشنو ترهات او که بیمار پر گوید و هرزه روز بحران (خاقانی شروانی)

علت و پرهیز شد بحران نماند کفر او ایمان شد و کفران نماند (مولانا)

بحران، تغییر حالت و از نظر امنیتی به معنی ستیزش و جنگ ادراکی است. به‌طور کلی بحران تعریف واحد و مشخصی ندارد. بحران، به‌طور مشخص پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات علوم سیاسی جایگاه

ویژه‌ای برای خود باز کرد و اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی در تبیین شرایط سیاسی جامعه از جهات مختلف توسعه «فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» به تشریح شرایط حاکم بر جامعه و علل بروز بحران پرداختند. (دبلیوپای، ۱۳۸۰: ۱۳)

اندیشمندان این حوزه با رویکردهایی متفاوت به تعریف بحران پرداخته‌اند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

- بحران بنا به اعتبار مفهوم کلمه، به مرحله پیچیده‌ای که یک کار و یک رویداد از آن عبور می‌کند و خارج شدن از آن مشکل است، اطلاق می‌شود (امیرکبیری، ۱۳۷۶: ۳۱).

- کاپلان بحران را چنین تعریف می‌کند: «افراد وقتی در برابر اهداف مهم با مانع یا محظوری روبرو شوند که نتوانند از روش‌های معمول حل مسئله استفاده کنند در موقعیت بحران قرار می‌گیرند». (وردی‌نژاد؛ بهرامی‌رشتیانی، ۱۳۸۸: ۳۴)

- بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده و پیش‌زمینه تلاقی زمینه‌هایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را پدید می‌آورند (کلاهیجان، ۱۳۸۳: ۲۸۹).

- بحران به معنای بروز خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. (Crandal, 2002: 18)
 - بحران شرایطی خارج از وضعیت عادی است که الگوهای مدیریتی متداول به هنگام اوج آن کارایی خود را از دست می‌دهند. مدیریت این وضعیت به دلیل محدودیت ناشی از فشار زمانی، کنترل. (Burnett, 1998: 476)

- «ایگور انسف»^۱ می‌گوید: سازمان را هنگامی باید با بحران روبرو دانست که در اثر تغییر و تحولات، بقاء و حیات آن به مخاطره افتد.

- «مینتز برگ»^۲ معتقد است بحران در اثر وقوع ناگهانی و غیرمنتظره حادثه و یا اتفاقی به وجود می‌آید که توجه فوری به آن برای اخذ تصمیم فوری، ضروری است.

بحران، وقوع رویدادی است که روال عادی کار و چرخش زندگی را در یک سازمان و یا محیط مختل ساخته و رسیدگی به آن در اولویت سایر اقدامات مسئولین قرار می‌گیرد. بحران را می‌توان وضعیتی دانست که از قبل حدس و انتظاری برای وقوع آن نبوده و در یک پروسه زمانی سریع، پاسخی فوری لازم دارد، زمان برای مقابله با آن بسیار کم بوده و می‌تواند ارزش‌های نظام را تهدید نماید. بحران حاکمیت موقعیت عدم اطمینان بر محیط داخلی و خارجی سازمان است و در سطح کلان، مجموعه عواملی که حکومت را در یکی از ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی دچار آشفتگی نموده و امنیت ملی کشور را دچار مخاطره سازد را بحران گویند. (ساره‌دودی، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۵۱)

ویژگی‌ها و شاخص‌های بحران

1. Ansoff
 2. Mintzber

در تدبیر بحران‌ها، نمی‌توان صرفاً به شناخت شاخص‌های عمومی و قابل تعمیم آنان امید بست، بلکه باید پا پس نهاده و از رهگذر ورود به نهانکده هر بحران و کالبدشکافی دقیق آن به شاخص‌های منحصر به فردش دست یافت.

تاجیک در کتاب خود خصوصیات و شاخص‌های بحران را از نظر چند نفر از اندیشمندان این حوزه به شرح زیر بیان نموده است.

میلر و ایسکو^۱ بر اساس مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی شاخص‌ها و ویژگی‌های بحران را به شرح زیر اعلام نموده‌اند:

۱- یک وضعیت بحرانی، موقعیتی کوتاه‌مدت و حاد است تا برهه‌ای طولانی، اگر چه طول مدت آن همواره نامشخص است.

۲- بحران موجب رفتاری است که غالباً آسیب‌شناسانه است. نظیر احساس بی‌کفایتی و یا به دنبال مقصری واهی گشتن.

۳- بحران، اهداف طرف‌های درگیر در آن را با تهدید مواجه می‌سازد.

۴- بحران امری نسبی است، آنچه برای یک حزب یا یک شخص بحران به حساب می‌آید، ممکن است برای طرف دیگر بحران نباشد.

۵- بحران موجب تنش (تنش فیزیکی و اضطراب) در ارگانیسم است.

گادسون^۲ نیز شاخص‌های بحران را بدین شرح بیان نموده است:

۱- تهدیدزایی (تحمیل تهدید) به ارزش‌ها و اهداف ملی

۲- بازتابی یک تغییر دراماتیک، مخرب و فاسدکننده در جریان عادی امور بین‌المللی

۳- معمولاً شامل ستیزش‌های نظامی و یا امکان این ستیزش است.

۴- خطر و فرصت هر دو ذاتی یک بحران هستند.

۵- دوران کوتاه آغاز و فرجام.

مک‌کارتی^۳، شاخص‌های یک موقعیت بحرانی را عبارت می‌داند از:

۱- به خطر افتادن اهداف اولویت‌دار واحد تصمیم‌گیری.

۲- زمان موجود برای پاسخ‌دهی پیش از انتقال تصمیم را محدود کرده و اعضای واحد تصمیم‌گیری را به تعجب و حیرت وامی‌دارد.

۳- منابع فوق‌العاده را می‌طلبد.

۴- پیش‌زمینه همگرایی رویدادهایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را می‌آفرینند. این امر، محیطی

1. Miller and Iscoe

2. Godson

3. Mc Carthy

سرشار از بی‌اعتمادی را می‌سازد و این احساس را قوت می‌بخشد که دیگر کنترلی بر رویدادها و شرایط وجود ندارد.

۵- نیازمند تصمیم‌گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود، با اتکای بر اطلاعات ناقص هستند.

۶- ماهیت و آثاری طولانی و استهلاکی دارند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۷۳-۷۲)

مظلومی در مقاله خود با عنوان «مدل سه‌وجهی مدیریت اطلاعاتی بحران‌های امنیتی»، بحران را به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌کند. بحران عام، در برگزیده سه مفهوم ساده مرتبط با توانایی و آسیب‌پذیری جامعه و ارتباط آن با مدیریت حادثه مورد نظر قرار می‌گیرد، این سه متغیر عبارتند از: الف) درک خسارت وارده ممکن. ب) درک فرصت‌های از دست رفته ممکن. ج) درک پیچیدگی فشارهای ممکن وارده در هر مقطع. بحران خاص، بحران‌هایی است که اجتماع و عناصر انسانی را به خطر می‌اندازد و یا نظام سیاسی را با خطر مواجه می‌سازد. بحران‌های خاص دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- وضعیت ناپایدار و متزلزل که در چهارچوب آن، تغییر قطعی (بخت‌تر یا بدتر) در شرف وقوع است.

۲- هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر شود.

۳- شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان.

۴- هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد، حالتی از نابسامانی ایجاد شود یا نظم مختل گردد و یا حالتی غیرطبیعی پدید آید.

۵- به وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در جریان حرکت یک سیستم یا نظام. (مظلومی، ۱۳۹۲: ۱۵-۱۴)

شرایط بحرانی

وردی‌نژاد و بهرامی‌رشتیانی در کتاب خود با عنوان «مدیریت بحران و رسانه‌ها»، شرایط بحران را این‌گونه توصیف می‌کنند: «وضعیتی است که به دلیل استمرار وضعیت مخاطره‌آمیز و فقدان اطلاعات، «به هم ریختگی ارتباطی» گسترده به وجود می‌آید و در پی آن رابطه علیّ جدیدی در تعاملات اجزاء در فضای ناپایدار شکل می‌گیرد که این ناپایداری وضعیت نسبت به شرایط پیشین بحران نام دارد؛ به عبارت دیگر بحران را می‌توان به هم ریختگی کامل ارتباطات و روندی برای تولید فرایند ارتباطی نو در اثر روابط علیّ جدید میان اجزای یک سیستم توصیف کرد». (وردی‌نژاد؛ بهرامی‌رشتیانی، ۱۳۸۸: ۳۱) دیدگاه این محققین مبتنی بر کارکرد رسانه در بحران است و زاویه‌های دیگر بحران را که دیگر صاحب‌نظران و محققین به آن‌ها اشاره کرده‌اند، پوشش نمی‌دهد. برای ارائه تعریفی جامع از شرایط بحرانی، می‌توان این شرایط را از میان تعاریف و نظریات بیان شده به شرح زیر به دست آورد.

۱. از دیدگاه وردی‌نژاد و بهرامی‌رشتیانی، در شرایط مخاطره به دلیل وجود عناصر تأثیرگذار محیطی بر وضعیت عدم اطمینان و مستمر ساختن آن و فقدان اطلاعات بهنگام و عدم پردازش صحیح اطلاعات، تصمیمات انحرافی مبتنی بر اطلاعات غیرصحیح شکل می‌گیرد و منجر به شکاف تصمیم‌گیری برای عبور از وضعیت قبلی به وضعیت موردنظر می‌گردد. (وردی‌نژاد؛ بهرامی‌رشتیانی، ۱۳۸۸: ۳۱)

محقق/ نظریه دهنده	شاخص‌ها	شاخص‌های شرایط بحرانی
Crandal	بحران به معنای بروز خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است	ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی
ایگور انسف	سازمان را هنگامی باید با بحران روبرو دانست که در اثر تغییر و تحولات، بقاء و حیات آن به مخاطره افتد.	
مک کارتی	به خطر افتادن اهداف اولویت‌دار واحد تصمیم‌گیری.	

بنا بر آنچه در جدول بالا مشاهده می‌شود، شرایط بحرانی شامل شاخص‌های زیر است:

۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته

۲- مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده

۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی یک سازمان / نظام / جامعه

سطوح و طبقات بحران‌ها

بر اساس مدل تحریک - واکنش، بحران رفتار تصمیم‌گیرندگان یعنی درک و احساس آنان از علائم محرکه و واکنششان در مقابل تحریک انجام شده، مربوط می‌شود؛ به عبارت دیگر، در این الگو بحران عبارت است از وضعیتی که:

۱- هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند.

۲- زمان واکنش برای اتخاذ تصمیم محدود است.

عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند. این سه عامل مهم در تعریف و تشخیص بحران از دیدگاه روش تصمیم‌گیری نقش عمده‌ای دارند: تهدید^۱، زمان^۲، غافلگیری^۳. بر اساس این سه عامل، می‌توان هشت وضعیت کاملاً بحرانی^۴، نوظهور^۵، بطئی^۶، ویژه (موردی)^۷، انعکاسی^۸، عمدی^۹، عادی^{۱۰} و اداری را تصور کرد که به شرح زیر است: (غرایق زندی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۲)

نوع وضعیت/سطح	میزان تهدید	میزان زمان	غافلگیری/پیش‌بینی شده
کاملاً بحرانی	شدید	کوتاه	غافلگیری
نوظهور	شدید	بلند	غافلگیری
بطئی	ضعیف	زیاد	غافلگیری

1. Threat

2. Time

3. Surprising

4. Crisis

5. Innovation

6. Interial

7. Circumstantial

8. Deliberative

9. Reutilized

10. Tension

نوع وضعیت/سطح	میزان تهدید	میزان زمان	غافلگیری/پیش‌بینی شده
ویژه یا موردی	ضعیف	کوتاه	غافلگیری
انعکاسی	شدید	کوتاه	پیش‌بینی شده
عمدی	شدید	بلند	پیش‌بینی شده
عادی	ضعیف	بلند	پیش‌بینی شده
اداری	ضعیف	کوتاه	پیش‌بینی شده

نکته حائز اهمیت در جدول فوق، بحث اطلاعات است. در چهار مورد اول آگاهی پایین است و سازمان/نظام حکومتی با بدترین حالت مواجه است. در واقع به علت نداشتن آگاهی هرگونه تصمیم‌گیری به احتمال قوی با شکست مواجه می‌شود، مگر اینکه شانس را مورد توجه قرار دهند که این امر در اصول مدیریتی پذیرفتنی نیست. در چهار مورد دوم به علت اینکه سازمان اطلاعات لازم – که شاید هم کافی نباشد – برخوردار است، امکان کنترل بحران فراهم است. (ساوه‌دودی، ۱۳۹۰: ۳۰۶) در چهار حالت اول به علت نبود اطلاعات، امکان پیش‌بینی و توان مقابله با بحران وجود ندارد، از این رو سازمان/نظام حاکم در این حالت هر لحظه در معرض سقوط و سرنگونی قرار دارد. در چهار حالت دوم وضعیت بهتر از چهار مورد اول است؛ چراکه در این وضع سازمان به علت داشتن اطلاعات کافی، شناخت خوبی برای اداره امور داشته و در وضعیت مناسبی به سر می‌برد. (ساوه‌دودی، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۳۷)

بحران امنیتی، ابعاد و سطوح آن (بر اساس دیدگاه‌های مکتب کپنهاگ)

برای اینکه موضوع این بخش را بتوانیم بهتر توضیح دهیم، ضروری است مفروض‌هایی را که تبیین مفهوم بحران امنیتی، ابعاد و سطوح آن بر آنها استوار است را مورد بازنگری قرار دهیم. این مفروض‌ها به دست آمده از مباحثی است که در قسمت‌های قبلی به آن‌ها اشاره شده است.

مفروض ۱:

همانطور که قبلاً گفته شد بر اساس دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیت به بقا بازمی‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی (وجودی) برای یک موجود جلوه‌کند. مفهوم تهدید وجودی، ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال و یا آسیب جدی روبرو می‌سازد. از این دیدگاه می‌توانیم بگوییم زمانی که مراجع امنیتی با مشکل روبرو شوند ما با بحران امنیتی مواجه خواهیم بود.

مفروض ۲:

بر اساس دیدگاه‌های مکتب کپنهاگ، امنیت به پنج بعد نظامی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شود که هر یک از این ابعاد دارای مراجعی هستند. مرجع بعد نظامی، دولت؛ مرجع بعد سیاسی، ایده حاکمیت، ساختار و فیزیک دولت؛ مرجع بعد اقتصادی، دسترسی به منابع مالی و بازار؛ مرجع بعد اجتماعی، هویت و مرجع بعد زیست‌محیطی، محیط زیست محلی و جهانی است.

مفروض ۳:

بر اساس تحلیل انجام شده بر روی تعاریف مختلف ارائه شده از بحران، هرگاه با شاخص‌های ۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته، ۲- شرایط مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده و ۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی مرجع امنیت روبرو شویم، در واقع با شرایط بحرانی روبرو هستیم.

مفروض ۴:

بر اساس مدل تحریک - واکنش و بر اساس سه عامل تهدید، زمان و غافلگیری هر یک از بحران‌های امنیتی را می‌توان در هشت طبقه اداری، عادی، عمدی، انعکاسی، ویژه، بطئی، نوظهور و کاملاً بحرانی طبقه‌بندی نمود.

مفروض‌های بیان شده را به طور خلاصه می‌توان به شکل جدول زیر به نمایش گذاشت.

ابعاد امنیت	مراجع امنیت	شرایط بحرانی	سطوح بحران
نظامی	دولت	۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته ۲- مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده ۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی	کاملاً بحرانی
سیاسی	ایده حاکمیت		نوظهور
	ساختار دولت		بطئی
	فیزیک دولت		ویژه
اقتصادی	دسترسی به منابع مالی و بازار		انعکاسی
اجتماعی	هویت		عمدی
زیست محیطی	محیط زیست محلی، جهانی		عادی اداری

بر اساس آنچه گفته شد، اگر مراجع امنیت در هر یک از ابعاد پنج‌گانه امنیت (نظامی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) با شرایط بحرانی روبرو شوند، بحران امنیتی به وجود می‌آید؛ بنابراین بحران امنیتی خود به پنج نوع تقسیم می‌گردد، بحران امنیتی نظامی، بحران امنیتی سیاسی، بحران امنیتی اقتصادی، بحران امنیتی اجتماعی و بحران امنیتی زیست محیطی. سطح این بحران‌های امنیتی بر اساس تعاریفی که

مسئولان امر بر اساس معیارهای نظام مربوط ارائه می‌نمایند، می‌تواند به هشت سطح (کاملاً بحرانی، نوظهور، بطنی، ویژه، انعکاسی، عمدی، عادی و اداری) تقسیم شود^۱.

به عنوان مثال اگر هویت به‌عنوان مرجع امنیت اجتماعی با شرایط بحرانی (سه شاخص بیان شده در جدول بالا) مواجه گردد، آنگاه نظام با بحران امنیتی اجتماعی روبرو است. این بحران امنیتی اجتماعی بر اساس معیارهای هر نظام و کشوری می‌تواند از در قالب هشت سطح مختلف، از سطح کاملاً بحرانی تا سطح اداری سطح‌بندی شود، به عبارتی دیگر بحران امنیتی اجتماعی می‌تواند در سطح اداری تا سطح کاملاً بحرانی باشد.

روش اجرای تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر را دوازده نفر از صاحب‌نظران و خبرگان مباحث امنیتی تشکیل داده‌اند که همه اعضا به‌صورت تمام شمار به‌عنوان حجم نمونه پژوهش در نظر گرفته شده‌اند.

روایی و اعتبار پژوهش: محققین بعد از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و رسیدن به ابعاد، شاخصه‌ها و مؤلفه‌های بحران امنیتی بر مبنای مکتب کپنهاگ، فرم مصاحبه‌ای تهیه و بعد از اخذ روایی آن به صورت صوری با استفاده از نظرات متخصصین و خبرگان حوزه بحران امنیتی، فرم مصاحبه را در اختیار اعضای جامعه آماری قرار داده و در نهایت بعد از انجام تجزیه و تحلیل‌های لازم و رسیدن به مدل نهایی، به منظور اخذ اعتبار مدل از روش هالستی استفاده نمودند. که اعتبار به دست آمده (۰/۹۷) بیانگر آن است که مدل احصاء شده از اعتبار قابل قبولی برخوردار است.

داده ها و تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، اعضای جامعه آماری بر این اعتقادند که: مکتب کپنهاگ، امنیت را به پنج بعد نظامی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌کند. هر یک از این ابعاد دارای مراجعی هستند. اگر این مراجع در شرایط بحرانی یعنی ۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته، ۲- شرایط مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به کارگیری منابع فوق‌العاده و ۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی مرجع امنیت قرار گیرند، با بحران امنیتی در هر یک از ابعاد امنیت مواجه خواهیم شد. هر یک از بحران‌های امنیتی را نیز می‌توان بر اساس سه شاخص تهدید، زمان و غافلگیری، در ۸ سطح (طبقه) اداری، عادی، عمدی، انعکاسی، ویژه، بطنی، نوظهور و کاملاً بحرانی طبقه‌بندی نمود.

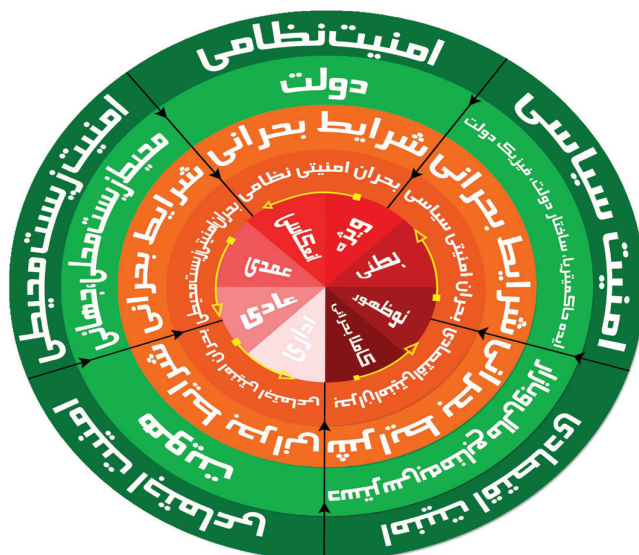
۱. هشت سطح بیان شده در این بخش، بر اساس مدل تحریک - واکنش به دست آمده است. ممکن است یک کشور و یا نظامی تنها قائل به چهار سطح از این هشت سطح و یا کمتر یا بیشتر از آن باشد. نکته مهم این است که برای هر سطح باید شرایط و شاخص‌های مشخصی تعبیه گردد تا با رسیدن شرایط به آن شاخص‌ها و شرایط بتوانیم بگوییم که بحران امنیتی به چه میزان پیشرفت کرده است.

نتیجه‌گیری

مفهوم بحران امنیتی همانند مفهوم امنیت امری سهل و ممتنع است. از طرفی همه انسان‌ها از اولین ساعت‌های زندگی شان امنیت و ناامنی را تجربه می‌کنند، با این موضوع آشنا می‌شوند و از طرفی با نگاه به جنبه‌های مختلف زندگی انسانی، آن قدر مفهوم امنیت گسترده می‌شود که ارائه یک تعریف جامع و مانع بسیار سخت می‌نماید. مفهوم بحران امنیتی نیز در بسیاری مواقع امری بدیهی و مفروض انگاشته شده است، در حالی که واقعیت آن است که وقتی از دست‌اندرکاران امر خواسته می‌شود به بیان مصداق‌های بحران امنیتی اشاره کنند، هر یک به مصداق‌های نسبتاً متفاوتی برای بحران امنیتی اشاره می‌کنند. در واقع هر کس بر اساس دیدگاه، تخصص و نگاه خود به موضوع امنیت و شرایط بحرانی به ارائه مصداق می‌پردازند. متخصصی که در بخش اجتماعی یک جامعه فعالیت می‌کند، ممکن است از بین رفتن پایداری اعضای جامعه به آداب، رسوم و فرهنگ اصیل جامعه را مصداق بحران امنیتی بداند و فردی که در بخش اقتصادی فعالیت می‌کند، تحریم‌های اقتصادی و دسترسی نداشتن به بازارهای بین‌المللی را به عنوان مصداق بحران امنیتی بداند. برخی از صاحب نظران نیز تنها جنگ، کودتا، حرکت جامعه به سمت براندازی حکومت، به خطر افتادن هیئت حاکمه و مواردی مانند این را مصداق بحران امنیتی می‌دانند. با این تفاسیر ارائه الگویی علمی برای ارائه مفهوم بحران امنیتی، ابعاد و سطوح مختلف آن ضروری است که در این مقاله تلاش شد با استفاده از آموزه‌های مکتب کپنهاگ به این امر دست یابیم.

تبیین مفهوم بحران امنیتی با استفاده از چهارچوب نظری مکتب کپنهاگ به این معنا نیست که امکان تبیین بحران امنیتی در قالب سایر نظریه‌ها و مکاتب امنیتی میسر نیست. اینکه در این مقاله از چهارچوب مکتب امنیتی کپنهاگ استفاده شده است، به خاطر دیدگاه موسع و نسبتاً روشن این مکتب نسبت به امنیت است که در قسمت‌های قبلی به تفصیل به این امر اشاره شده است.

در نهایت بر اساس دیدگاه‌های مکتب کپنهاگ و بررسی ادبیات موجود در زمینه بحران، می‌توان بحران امنیتی را (همان‌گونه که توضیح آن در بخش قبل آمد) به شکل زیر ترسیم نمود.



بحران امنیتی (با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ)

- - ابعاد امنیتی
- - مراجع امنیتی
- - شرایط بحرانی
- - انواع بحران‌های امنیتی
- - طبقه‌بندی بحران‌های امنیتی

مکتب کپنهاگ، امنیت را به پنج بعد نظامی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌کند. هر یک از این ابعاد دارای مراجعی هستند. اگر این مراجع در شرایط بحرانی یعنی ۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته، ۲- شرایط مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده و ۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی مرجع امنیت قرار گیرند، با بحران امنیتی در هر یک از ابعاد امنیت مواجه خواهیم شد. هر یک از بحران‌های امنیتی را نیز می‌توان بر اساس سه شاخص تهدید، زمان و غافلگیری، در ۸ سطح (طبقه) اداری، عادی، عمدی، انعکاسی، ویژه، بطئی، نوظهور و کاملاً بحرانی طبقه‌بندی نمود.

منابع

- اشنایدر، کریگ ای (۱۳۸۴)، «امنیت و استراتژی معاصر»، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت»، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری؛ الی، ویور؛ دو ویلد، پاپ (۱۳۸۶)، «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۱)، «مبانی نظری امنیت»، چاپ دوم، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، «درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها)»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۴)، «درآمدی بر امنیت زیست‌محیطی»، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- مظلومی، محمود (بهار ۱۳۹۲)، «مدل سه‌وجهی مدیریت اطلاعاتی بحران‌های امنیتی»، فصلنامه اطلاعاتی - حفاظتی جامعه اطلاعاتی، شماره چهارم، صص ۴۵-۱۳.
- امیرکبیری، علیرضا (۱۳۷۶)، «مدیریت بحران»، نشریه تدبیر، شماره ۷۸.
- دبلیو پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰)، «بحران و توالی‌ها در توسعه سیاسی»، مترجم غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۰)، «راهبردهای سازمانی و مدیریت بحران»، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۲)، «مدیریت بحران و قدرت سازمانی»، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- صلواتیان، سیاوش (۱۳۸۹)، «رسانه‌ها و مدیریت بحران»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- عمید، حسن (۱۳۸۸)، «فرهنگ عمید»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلاهچیان، محمود (۱۳۸۳)، «نقش اطلاعات در مدیریت بحران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم.
- نصری، قدیر (زمستان ۱۳۸۱)، «مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۳، صص ۵۸-۳۳.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، «مدیریت بحران، نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران»، تهران: فرهنگ گفتمان.
- غرایق‌زندی، داود (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاست‌گذاری امنیت ملی»، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- وردی‌نژاد، فریدون؛ بهرامی‌رشتیانی، شهلا (۱۳۸۸)، «مدیریت بحران و رسانه‌ها»، تهران: سمت.

- Saleh, Alam (Winter 2010),” **Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security**”, Geopolitics Quarterly, Volume: 6, No 4, p.p 228-241.
- Panic, Branka (APRIL-JUNE 2009), “**Societal security – security and identity**”, Journal of the BelgradeSchool of Security Studies, Year 4 No. 13, p.p 29-39.
- Waever, Ole. (2008) '**The Changing Agenda of Societal Security.**' In Globalization and Environmental Challenges, Reconceptualizing Security in the 21st Century, Berlin: Springer Berlin Heidelberg.
- Crandall, William Rick. (2002) **Crisis Planning in The Nonprofit Sector Should occur?.**, London: Ratligh.
- Burnett, J.J. (1998), “**A Strategic Approach to Mana?**”, London: Ratligh.

